

Received: 2023/3/25

Accepted: 2023/7/29

from 183 to 201

Abazar Kafi Mousavi

Assistnt Professor, Department
of Islamic Education, Farhangian
University, Tehran, Iran.
a.kafi@cfu.ac.ir

Interactive methods of the Prophet (PBUH) in order to strengthen social relations

Abstract

God, the creator of humanity, possesses profound awareness of their needs, talents, as well as their spiritual and physical attributes. This comprehensive understanding finds eloquent expression within the verses of the Quran, while the Prophet (peace be upon him) exerted an immense influence on transforming social behaviors and rectifying the beliefs and convictions of individuals in society, a legacy that continues to endure. This article's primary aim is to elucidate and extrapolate the Prophet's (peace be upon him) interactive behavioral patterns with people, with the objective of addressing how the Prophet's governance approach amongst members of society fostered mutual support and social advancement. To attain a suitable response, we delve into the anthropological underpinnings of the Holy Quran and the educational biography of the Prophet. Employing a qualitative content analysis with a descriptive interpretive approach, data collection centers on document analysis. The research findings underscore that the sociological approach of the Prophet (peace be upon him) is rooted in the humanistic principles espoused by the Quran. It emphasizes not merely worldly and material well-being but also the spiritual and moral elevation of humanity. In such an approach, the inherent dignity and honor of individuals are never sacrificed for material gain. Preserving and nurturing social bonds, exhibiting benevolence in social interactions, upholding unity, promoting equality under the law while respecting citizens' rights, coexisting harmoniously with people, and actively participating in society constitute some of the effective methods characterizing the Prophet's (peace be upon him) social conduct.

Keywords:

interactive methods of the
Prophet(PBUH), social
relations, interpersonal relations,
anthropology.

اباذر کافی موسوی

استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی،

دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

a.kafi@cfu.ac.ir

چکیده

خداوند خالق انسان و آگاه به نیازها، استعدادها و ویژگی‌های روحی و جسمی اوست. این شناخت کامل در محتوای آیات قرآن به‌خوبی تبیین شده و پیامبر(ص) بر اساس همین شناخت، بیشترین تأثیرگذاری را بر تغییر رفتارهای اجتماعی و اصلاح عقاید و باورهای افراد جامعه‌ی آن زمان تا به امروز داشته است. هدف نوشتار حاضر تبیین و استخراج الگوهای رفتار تعاملی پیامبر(ص) با مردم است تا به این پرسش پاسخ دهد که رویکرد حکمرانی پیامبر(ص) در میان افراد جامعه برای هم‌افزایی و رشد اجتماعی چگونه بوده است؟ برای رسیدن به پاسخی مناسب، مبانی انسان‌شناسی قرآن کریم و سیره‌ی تربیتی آن حضرت مورد تأمل قرار می‌گیرد. روش تحقیق از نوع تحلیل مضمون کیفی و با رویکردی توصیفی تفسیری است که در گردآوری اطلاعات از روش بررسی اسناد بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که رویکرد جامعه‌شناسی پیامبر(ص) بر آموزه‌های انسان‌شناسی قرآن مبتنی است و علاوه بر رفاه دنیوی و مادی، بر تعالی روحانی و معنوی انسان نیز تأکید دارد. در چنین رویکردی، کرامت ذاتی و عزتمندی انسان فدای منفعت مادی نمی‌شود. حفظ و گسترش ارتباطات مردمی، احسان در روابط اجتماعی، حفظ وحدت، تشویق به برابری در مقابل قانون و رعایت حقوق شهروندی، هم‌نشینی با مردم و حضور در متن جامعه ازجمله شیوه‌های اثربخش رفتار اجتماعی پیامبر(ص) است.

واژگان کلیدی:

شیوه‌های تعاملی پیامبر(ص)،
روابط اجتماعی، روابط بین‌فردی،
انسان‌شناسی.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

اصطلاح مدیریت منابع انسانی که شامل فعالیت‌هایی مانند کارمندیابی، حقوق و دستمزد، آموزش و روابط سازمانی است، از دهه‌ی ۱۶۷۰ میلادی به بعد مطرح شد و نظریه‌پردازان به اهمیت جایگاه انسان در رشد و توسعه‌ی دستگاه‌ها پی بردند. صاحب‌نظران این عرصه از انسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تولید نام‌برده‌اند و موفقیت سازمان و مدیریت را مستلزم توجه جدی به انسان و راه‌های انگیزش او می‌دانند؛ اما نگاه ابزاری به انسان به‌منظور سوددهی بیشتر، محور اصلی آرای آنان است و سعی کرده‌اند این نگاه را در ظاهر الفاظ و عناوینی زیبا پنهان کنند؛ برای نمونه، نظریه‌ی «مدیریت مبتنی بر روابط انسانی» که سعی دارد نگاه ویژه‌ای به جایگاه انسان داشته باشد و رفاه کارکنان و رضایت آنان را موردتوجه قرار دهد، در حقیقت، انسان را هم‌تراز ماشین و مهم‌ترین عامل تولید و سوددهی در نظر می‌گیرد که برای کارکرد بیشتر، نیاز به احترام و توجه دارد (ابطحی، ۱۳۷۷، ص ۳۸).

علت اینکه متفکران و اندیشمندان هنوز نتوانسته‌اند برنامه‌ریزی جامعی برای کنترل و هدایت منابع انسانی ارائه دهند، این است که آنان به سبب نبود شناخت صحیح و کامل از ماهیت و ابعاد مختلف انسان، نتوانسته‌اند به نیازهای واقعی او دست یابند، حال آنکه در دستگاه حکومت نبوی، بهترین شیوه‌ها و راهکارهای عملی برای ایجاد تغییر و کنترل انسان‌ها محقق شده است. این ساختار مدیریتی بر پایه‌ی شناخت ابعاد مختلف جسمانی، معنوی، روحی و روانی، عقلانی و عاطفی انسان پایه‌گذاری شده و توجه خاصی به تمایلات و نیازهای واقعی او دارد، به‌گونه‌ای که رفاه و آسایش مادی را مقدمه‌ای برای تکامل روحی و آسایش روانی انسان می‌دانند. همه‌ی افراد در این دستگاه حاکمیتی ذی‌نفع هستند و برادران ایمانی مدیر به‌شمار می‌روند. تعلقات قومی، جنس، رنگ پوست، جایگاه اجتماعی و مقام و ثروت افراد موجب برتری آنان نمی‌شود، بلکه تنها تقوا و عمل خالصانه و صحیح معیار برتری آنان است؛ همچنین بهره‌گیری انسان‌ها از یکدیگر تنها در قالب توافق طرفینی صورت می‌پذیرد و نباید خدشه‌ای به منزلت اصیل انسانی طرفین وارد آید. به نظر می‌رسد، با مطالعه و الگوبرداری از این روش‌های کاربردی و اثربخش، الگویی نو برای جامعه‌ی انسانی امروز طراحی کرد که در آن شأن و جایگاه انسان محفوظ بماند و درعین حال، او را به فعالیت و رفتار صحیح ترغیب کند.

بیشتر اصول و شیوه‌های حاکمیتی امروز جوامع متأثر از اندیشه‌های مدیریتی اندیشمندان غربی است که هرچند ممکن است میان این نگرش و نگرش اسلامی به علت علمی و عقلانی بودن آن، در بسیاری از موارد هماهنگی وجود داشته باشد؛ اما در نگاه نگرشی و مبنایی، ممکن است تمایزاتی نیز موجود باشد؛ همچنین از آنجاکه هر مکتب فکری بر مبنای و اصول ویژه‌ای مبتنی است و در اجرای آن مبنای و اصول زیربنایی در عرصه‌ی عمل، رعایت انسجام و تلازم شیوه‌های عملی با آن اصول، برای دستیابی به هدف ضروری است، این تحقیق شیوه‌های تعاملی نبوی را به‌عنوان یک مسئله که در جامعه‌ی اسلامی باید مدنظر قرار گیرد، بررسی می‌کند؛ بنابراین، در

تحقیق حاضر به دنبال پاسخی برای این پرسش اساسی هستیم که رویکرد حکمرانی و اعمال قدرت پیامبر^(ص) در میان افراد جامعه برای هم‌افزایی و رشد اجتماعی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی، باید ابتدا بدانیم که نگاه قرآن به انسان چگونه است و انسان در گزاره‌های قرآنی چگونه معرفی شده است و سپس به دنبال روش و شیوه‌های تعاملی پیامبر اکرم^(ص) بر اساس این نوع شناخت انسانی باشیم.

۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش

زهره مهدوی‌فخر و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «رفتارشناسی پیامبر اکرم^(ص) در تعاملات اجتماعی با یهودیان مدینه»، پس از بررسی جایگاه اجتماعی یهودیان در مدینه، به ویژگی‌های رفتار اجتماعی آنان بر پایه‌ی گواهمندی قرآن و اقدامات پیامبر اسلام^(ص) برای ایجاد رابطه با این قوم می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که برخورد آن حضرت با اقلیت‌های دینی، به‌ویژه یهودیان، بر سه شاخص اصلی صبر، مدارا و قاطعیت استوار است.

صادق یزدان‌پناه و امیر احسانی (۱۳۹۸) در «بررسی تطبیقی راهبردهای تغییر در عصر پیامبر^(ص) و دوران معاصر به‌منظور پیدایش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی»، به بررسی تطبیقی راهبردهای تغییر در عصر پیامبر^(ص) و دوران معاصر به‌منظور پیدایش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که مقوله‌ی تغییر در دوره‌ی پیامبر^(ص) همه‌ی سامانه‌های اجتماعی و تغییرات بادوام را در برگرفته و مبانی تغییر در دوره‌ی پیامبر اکرم^(ص) بر احکام و حدود اسلامی مبتنی است.

علی صباغیان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «نحوه‌ی تعامل رسول خدا^(ص) با منافقان مدینه»، به این نتیجه رسیده‌اند که رسول خدا^(ص) در برخورد با منافقان، بیشترین مقدار تساهل و تسامح را از خود نشان داد و تا آنجا که ممکن بود، از مجازات آنان صرف‌نظر کرد و آنان را مجبور به شرکت در جنگ نکرد؛ اما اگر منافقان دست به توطئه می‌زدند، به‌سرعت در برابر آنان واکنش نشان می‌داد.

سید حسین علیان‌سب (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «شیوه‌ی پیامبر اکرم^(ص) در مدیریت روانی جامعه‌ی اسلامی»، به این دستاورد رسیده که پیامبر^(ص) بدون خروج از مسیر اخلاق اسلامی، با روش‌های متعدد جامعه را در مقابل دشمن، بانشاط و آماده نگاه می‌داشتند و بدون اینکه بر منابع مادی آنان چیزی افزوده باشد، آنان را به قدرت بسیار تأثیرگذار منطقه تبدیل کرد.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، نوشتار جامعی درباره‌ی موضوع شیوه‌های تعاملی پیامبر^(ص) برای تحکیم روابط اجتماعی یافت نشد و غالب مقالات به رفتار و تعامل پیامبر^(ص) با منافقان، مشرکان و مخالفان فکری و اعتقادی پرداخته‌اند؛ اما در این نوشتار بر آنیم تا با نگاهی جامع‌تر به روش‌های اثربخش آن حضرت برای تغییر رفتار انسان‌های آن عصر را مطالعه کنیم؛ تا درنهایت، به الگوی صحیح رفتار حاکمیت نسبت به افراد جامعه برسیم. برای رسیدن به این مطلوب، لازم است ضمن استخراج اصول و روش‌های رفتاری آن حضرت با انسان، در جست‌وجوی الگوی تعاملی بر مبنای انسان‌شناسی قرآنی و سیره‌ی نبوی باشیم.

۳.۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل مضمون کیفی و با رویکردی توصیفی تفسیری است. در گردآوری داده‌ها از روش بررسی اسناد بهره گرفته شده است. از آنجاکه تحقیق از نوع کیفی است و محقق در پی فهم عمیقی از مفهوم مدنظر و ابعاد و جنبه‌های آن است، همه‌ی آیات قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش و همچنین مطالب مرتبط با سیره‌ی پیامبر اکرم^(ص) در سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله به‌عنوان جامعه‌ی تحقیق محسوب می‌شود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است؛ یعنی بر اساس اهمیت و ارتباط با موضوع بحث، آیات قرآنی و آثار مکتوب مرتبط تا رسیدن محقق به نقطه‌ی اشباع انتخاب شد.

۴.۱. یافته‌های پژوهش

برنامه‌های قرآن به‌عنوان کتاب انسان‌ساز و پیامبر اسلام^(ص) به‌عنوان مجری این قوانین است. هدف مدیریت قرآنی تنها رفاه مادی نیست، بلکه رفاه مادی مقدمه‌ای است برای رسیدن به تعالی روح. بر همین مبنا، در معارف اسلامی از هر فرصتی استفاده‌شده تا معنویات افراد را تقویت شود و هیچ‌گاه عزت انسانی و ارزش‌های اسلامی فدای سود و کار بیشتر نمی‌گردد و همچنین با زورگویان و متکبران و اعمالی همچون ربا و احتکار و کم‌فروشی به‌شدت برخورد می‌شود. در پرتو آموزه‌های قرآنی و همچنین بر اساس اصول مدیریت نبوی، انسان‌های جاهل، متعصب، جنگ‌طلب و تندخو به انسان‌های کمال‌یافته و قابل‌تحسین تبدیل گشتند و نوع کردار و رفتار آنان دچار تحول اساسی شد. در واقع، آنان پیامبر^(ص) را الگوی رفتاری خود قرار دادند و همواره مطیع و فرمان‌بردار ایشان بودند. تحقق این تحولات روحی و رفتاری، اتفاقی ساده و بدون برنامه و راحتی نبود و حتماً به تدابیر دقیق و اثرگذاری نیاز داشت که شواهد تاریخی نیز گواه بر آن است. مشاهده‌ی این حقایق تاریخی باعث شگفتی اندیشمندان است که چگونه پیامبر^(ص) توانست افرادی را تربیت کند که نهایت ادب و احترام را نسبت به یکدیگر حفظ کردند و به انفاق و کمک به دیگران مشغول بودند و حال آنکه پیش از آن، اغلب عکس این رفتارها را داشتند (گراوند، ۱۳۹۰، ص ۴۷). الگوهای رفتاری پیامبر^(ص) در برخورد با کودک خردسال یا پیرمرد و پیرزنی که در آن جامعه حضور داشت و همچنین شیوه‌ی مواجه شدن ایشان با مخالفان اعتقادی و مذهبی قابل‌تأمل است و کاری که پیامبر^(ص) انجام داد، به‌حق یکی از تحولات عظیم انسانی است که با مطالعه‌ی زوایای مختلف حوادث آن زمان می‌توان به علت و چگونگی شکل‌گیری آن پی برد.

پس از گذشت سال‌ها تجربه و خطا، دانشمندان جامعه‌شناسی، روانشناسی و مدیریت توانستند تنها به برخی از ابعاد و زوایای رفتار و تدبیرات مدیریتی آن حضرت پی ببرند و شناخت تأثیر واژه‌ها، افعال و مفاهیمی چون عدالت، اخلاص، ایثار، شهادت، فداکاری، همدلی، صداقت و صدها مفهوم و اقدام عملی دیگر که در گستره‌ی حکومت نبوی ظهور و بروز یافت، نیاز به مطالعه‌ی دقیق و تحقیق علمی دارد. بر اساس این، لازم است مروری داشته باشیم بر سیره‌ی مدیریت انسان‌ساز پیامبری که بر مبنای فرمان‌ها و دستوره‌های قرآنی توانست به بهترین شیوه، بالاترین

تحول مدیریتی و ساختار شخصیتی انسان‌های آن روز را رقم بزند (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۶۵)؛ همچنین بر اساتید، مربیان، معلمان و همه‌ی اشخاصی که به‌نوعی با تربیت نسل‌های انسانی سروکار دارند، لازم است به‌طور ویژه با این شیوه‌های تعاملی انسان‌ساز و روش‌های تربیتی آشنا شوند. جدول شماره‌ی یک خلاصه‌ای از مراحل تحلیل مضمون و دستیابی به شیوه‌های تعاملی پیامبر^(ص) است.

جدول شماره‌ی ۱. شیوه‌های تعاملی پیامبر(ص) برای تحکیم روابط اجتماعی

هدف	رفتار
حفظ ارتباط با مردم محل فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی	ساخت مسجد
تحقق و استمرار روابط انسانی بر مبنای اتحاد، همدلی، احسان و الفت و دوستی پرهیز از اختلافات قومی و قبیله‌ای	پیمان برادری و عقد اخوت میان مهاجر و انصار
پرهیز از دورویی و نفرت‌ها ایجاد حس دوستی و صمیمیت بیشتر مؤمنان دوری از نفرت‌ها و کینه‌های گذشته	تشویق به سلام و مصافحه
پرهیز از خطر بروز جنگ‌های قومی و مذهبی تبیین حقوق قومیت‌ها و مذاهب مختلف تضمین زندگی مسالمت‌آمیز تحقق نظم و عدالت اجتماعی انجام آزادانه‌ی مراسم مذهبی	نوشتن و اعلام پیمان‌نامه‌ی جامع صلح که بیشتر یهودیان، مسیحیان و مشرکان مدینه به انجام آن متعهد شدند.
برخوردها و رفتارها بر محور عدل و انصاف دخالت ندادن متغیرهایی همچون مذهب، جنس، سن، قدرت و ثروت در تعاملات و مراودات اجتماعی	رعایت اصل مساوات و عدالت در ارتباطات اجتماعی
گسترش سایه‌ی امنیت و آرامش روانی اجتماعی استمرار حاکمیت حفظ حقوق شهروندی و روابط اجتماعی عادلانه	بیان قوانین الهی و تبیین حقوق افراد بر یکدیگر
پیشبرد اهداف بلندمدت جامعه واگذاری مسئولیت‌ها	شناسایی، جذب و آموزش نیروی انسانی ماهر تربیت خصوصی افراد
انجام امور بر محور صداقت و درستی بی‌ارزش شدن رفتارهای نفاق‌گونه و تصنعی حاکمیت واقع‌گرایی، عقل و منطق بر رفتارهای اجتماعی	پرهیز از خودنمایی، ظاهرسازی، غرور، خودخواهی، تکبر و فخرفروشی

هدف	رفتار
گفت‌وگوی متقابل به دور از ترس بیان نیازها و مشکلات مردم	همراه و هم‌نشین شدن با مردم شوخی و مزاح با اطرافیان
پی بردن انسان‌ها به شخصیت و هویت و جایگاه شایسته‌ی وجود انسانی	توجه به جایگاه ارزشمند و کرامت ذاتی انسان گسترش صلح و آرامش و فضای بدون تنش تکریم و شخصیت‌بخشی
حفظ شأن و حرمت افراد گسترش صلح و دوستی	عیب‌پوشی و انتخاب روش‌های دوستانه برای متذکر شدن خطاها و اشتباهات افراد گشاده‌رویی و خوش‌رویی با مردم
شخصیت‌بخشی معاشرت بدون ترس با افراد	نگاه خوش‌بینانه و مثبت به رفتار و گفتار دیگران
شخصیت‌بخشی به افرادی که به‌واسطه‌ی نام، تحقیر شده بودند. فراموشی خاطرات دوران جهالت بازسازی رفتار و ساختار متناسب با هویت اسلامی	تغییر نام‌های زشت و کریه افراد نام‌گذاری مکان‌ها و قبایل

در ادامه، ابتدا به انسان‌شناسی قرآن پرداخته می‌شود و سپس هرکدام از اصول مستخرج از تحلیل مضمونی مندرج در جدول شماره‌ی ۱، به‌صورت مجزا توصیف و تبیین خواهد شد.

۲. انسان‌شناسی قرآنی

قرآن کریم توانسته است با دیدی جامع به ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان به معرفی توانمندی‌ها، امکانات، فرصت‌ها، نیازها، موقعیت‌ها و حتی محدودیت‌های وی بپردازد. انسان در نگاه قرآن کریم، شایسته‌ی والاترین و بهترین جایگاه را در میان دیگر مخلوقات الهی دارد تا جایی که او را مستعد جاننشینی خداوند بر روی زمین می‌داند: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ همچنین در توصیف شایستگی جایگاه آدمی به امانتی اشاره می‌کند که تنها انسان توانست بار آن امانت را بر دوش کشد و سایر مخلوقات عالم و حتی آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها نیز تحمل پذیرش آن را نداشتند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴۸). «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲)؛ همانا ما امانتی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ اما از برداشتن آن سر باز زدند و از آن بیمناک بودند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید.»

خداوند انسان را هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی، موزون و شایسته آفرید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) و پس از پایان خلقتش، بر آفرینش او افتخار می‌کند و خود را نیکوترین آفرینندگان معرفی می‌نماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴). خلقت

بی‌نظیر آدمی چنان شرافتی یافته است که خالق جهان هستی از روح خود در وجود او می‌دمد و بر فرشتگان امر می‌کند تا بر این مخلوق بی‌مانند سجده نمایند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۵۴). «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹). علاوه بر این، انسان را مورد تکریم خویش قرار می‌دهد و همه‌ی وسعت دریا و زمین و آسمان را در اختیار او می‌نهد تا رزق خویش را فراهم نماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ همچنین همه‌ی آنچه را در زمین نهاده است، در اختیار انسان قرار می‌دهد: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹).

خداوند انسان را موجودی آزاد و دارای قدرت انتخاب و اعمال اراده در حیطه‌ی اعمال اختیاری آفریده است، به‌گونه‌ای که علم و عقل نیز از مبادی آزادی و عمل اختیاری وی محسوب می‌شوند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱). انسان‌ها با وجود اشتراکات بسیار در نوع استعدادها و عواطف و علائق طبیعی، فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و اراده و اختیار، با ویژگی‌های متفاوت جسمی، فکری و رفتاری آفریده شده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۲). «وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا» (نوح: ۱۴).

نگاه قرآن به انسان همواره مثبت نیست و بعضی آیات به اوصاف و خصلت‌هایی با بُعد منفی و حیوانی و تربیت نیافته انسانی اشاره دارد؛ مثلاً خداوند به ضعف و ناتوانی انسان تصریح کرده و به همین سبب در احکام و وظایف محول به او تخفیف داده است: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸). هوی و هوس‌های سرکش چهره حقیقت را در نظر انسان دگرگون می‌سازد و بر اثر سوءتشخیص خود، بدی‌ها را از او تقاضا می‌کند و به دنبال شر و بدی می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۴۰). «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ» (اسراء: ۱۱).

حالات روحی و روانی انسان به‌گونه‌ای است که با کمترین سختی تغییر کند و با از دست دادن کوچک‌ترین نعمت، به‌کلی ناامید و ناسپاس می‌شود: «وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ» (هود: ۱۰) و در دستیابی به خواسته‌ها و تمایلات خود، موجودی عجول و ناشکیباست: «كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱). انسان‌ها حتی با مالک بودن همه‌ی خزاین رحمت پروردگار، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی‌دستی خویش‌اند: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (اسراء: ۱۰۰)؛ بگو اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، امساک می‌کردید تا مبادا انفاق مایه‌ی تنگدستی شما شود و انسان تنگ‌نظر است. «این بخل تا حدی است که سعی بر آن دارد تا دیگران را از بهره‌مند شدن به نعمت‌ها منع کند: «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معارج: ۲۱).

انسان تربیت نیافته در آموزه‌های قرآنی، موجودی طمع‌کار و افزون‌خواه است «ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ» (مدثر: ۱۵) و در برابر نعمت‌های بیکران الهی، ستم‌پیشه و ناسپاس است «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم: ۳۴). همچنین، موجودی مجادله‌گر و ستیزه‌جو در مقابل خالق خویش است «كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف: ۵۴).

۳. شیوه‌های تعامل اجتماعی مبتنی بر ارتباطات انسانی

یک اجتماع و یا مکتب فکری، هرچند از رشد و موفقیت ممتاز و ایده آلی برخوردار باشد، نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از الگوهای کامل فکری و عملی بداند. از دیدگاه قرآن، پیامبر^(ص) کامل‌ترین نسخه و اسوه‌ی حسنه‌ای است که گفتار و رفتارش قابلیت بازبینی و انطباق بر ساختارهای اجتماعی امروزی را دارد. موفقیت چشمگیر ایشان در مدیریت فکری و اصلاح انحرافات اجتماعی آن روزگار، بهترین دلیل بر این مدعاست. اهمیت و اولویت بازبینی شیوه‌های تعامل اجتماعی و بررسی روش‌های ایجاد ارتباطات انسانی پیامبر^(ص) به این سبب است که ایشان صرفاً به ارائه‌ی نظریه‌های مدیریت اجتماعی بسنده نمی‌کرد، بلکه وارد عرصه‌ی عمل می‌شد و در ضمن انجام رفتار صحیح، به هدایت و اصلاح رفتار دیگران می‌پرداخت. درواقع، پیش از آن‌که دستوری صادر کند، خود عمل می‌کرد تا با رفتار خود الگوسازی نماید (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳). در ادامه، مروری خواهیم داشت بر این الگوها و روش‌های تعامل اجتماعی پیامبر^(ص).

۱.۳. ایجاد پایگاه اجتماعی برای حفظ و گسترش ارتباطات مردمی

پیامبر^(ص) از بهترین شیوه‌های ارتباطی برای معرفی و شناساندن دین خدا بهره برده‌اند. ایشان توانستند با سنجش افکار عمومی و نوع نیازهای آنان، بهترین خط‌مشی‌ها و تعامل رفتاری و گفتاری برای تحقق و اجرای قوانین الهی را به مردم معرفی کنند (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). منش و خلق‌وخوی اجتماعی و سیره‌ی عملی ایشان باعث گرایش حداکثری افراد به مکتب اسلام شد و طیف وسیعی را وادار کرد تا خود را ملزم به پذیرش و انجام فرمان‌ها و دستورهای الهی بدانند. آن حضرت هیچ‌گاه از مردم فاصله نمی‌گرفت و همواره خود را در معرض ارتباطات میان‌فردی و اجتماعی قرار می‌داد و از هر زمینه‌ای برای سخن گفتن و یا شنیدن سخنان توده‌ی مردم استفاده می‌کردند و برای آنکه زمینه‌ی مناسب این گفت‌وگوهای دوطرفه آماده باشد، تلاش داشتند تا موانع احتمالی این ارتباطات و تعاملات اجتماعی به حداقل ممکن برسد. بر اساس این، مسجد به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه ارتباطی برای انجام رسالت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی در حکومت نوپای اسلام ابداع شد. پیامبر^(ص) پس از مهاجرت به مدینه، مکانی مقدس با عنوان مسجد را بنا نهادند که در آن علاوه بر انجام اعمال و فرایض دینی و اتصال قلوب بندگان با خالق هستی، جایگاه و موقعیتی فراهم گردید تا مقدمات تحقق اهداف مکتب اسلامی به انجام برسد. اموری همچون اطلاع‌رسانی رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی و فراگیری احکام و قوانین دینی الهی در مساجد انجام می‌شد (دولابی، ۱۳۹۶، ص ۸۷) و مسجد پایگاهی برای تصمیمات مهم نظامی، تجهیز سپاه و خطابه‌های مربوطه و نیز محلی برای قضاوت و رسیدگی به امور قضائی، شکایات و مجازات مجرمان بود (جوان آراسته، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳).

۲.۳. احسان، اخوت و رأفت در روابط اجتماعی

قرآن کریم بر برادری همه‌ی مؤمنان با یکدیگر تأکید می‌کند و آنان را به داشتن روابط مبتنی بر اخوت و احسان دعوت می‌نماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) و بر تحقق روابط انسانی بر مبنای اتحاد، همدلی، احسان و الفت و دوستی تأکید دارد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران: ۱۰۳). بر اساس این، پیامبر خدا^(ص) نیز همدلی و ایجاد الفت را در ارتباطات و تعاملات اجتماعی خود به مرحله‌ی ظهور می‌رساند و ایجاد رابطه‌ی اخوت و سازگاری با مردم را از اصول اساسی ارتباط میان‌فردی خویش می‌دانست (حسینیان‌مقدم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). پیامبر رحمت^(ص) برای حفظ و استمرار حیات و نشاط اجتماعی، افراد جامعه را همواره به پرهیز از اختلافات قومی و قبیله‌ای و همچنین اختلافات اعتقادی توصیه می‌کرد و همگان را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرامی‌خواند (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳). نمونه‌ی بارز آن، پیمان برادری و اخوت میان مهاجر و انصار بود که توانست هجرت‌کنندگانی که بدون زاد و توشه‌ی کافی وارد دیار غربت شده بودند و خود را از دستگاه اجتماعی مردم مدینه بیگانه می‌دانستند، از تفرقه و پریشانی‌های بکشد.

ایجاد پیمان برادری ظهور آیه‌ای است که مؤمنان را برادر یکدیگر می‌داند و از آنان می‌خواهد تا همواره میان دو برادر صلح و آشتی برقرار باشد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰). با اجرای این پیمان قرآنی، مهاجران و انصاری که از نظر فکر و اندیشه به هم نزدیک‌تر بودند، رسماً برادر یکدیگر شدند (جعفریان و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳).

۳.۳. ایجاد حس صمیمیت و درک متقابل در تعاملات اجتماعی

در روابط میان‌فردی و اجتماعی، برای آنکه افراد با یکدیگر احساس صمیمیت و نزدیکی داشته باشند، لازم است تا دو طرف ارتباط درک متقابلی از یکدیگر داشته باشند و تواضع و احترام متقابلی میان آنان برقرار باشد. رفتار و کلام متواضعانه‌ی پیامبر خدا^(ص) در سطح فهم مخاطبان و متناسب با نیازهای آنان بود، چنانچه زید بن ثابت می‌گوید: «هرگاه در حضور رسول خدا^(ص) صحبت از آخرت بود، ایشان نیز همراه با ما راجع به آن صحبت می‌فرمود و اگر سخن از دنیا بود، ایشان هم درباره‌ی دنیا صحبت می‌کردند و زمانی که بحث ما در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بود، باز با ما هم‌کلام می‌شدند» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

آن حضرت علاوه بر حفظ این ویژگی رفتاری، مؤمنان را نیز به همین رفتار پسندیده توصیه می‌نمود و به آنان تأکید می‌کرد که برادرت را با چهره‌ای باز و همراه با لبخند دیدار کن و دوری بیش از سه روز را سزاوار برادر ایمانی نمی‌دانستند و دفاع از آبروی برادر دینی و پرهیز از کینه و نفرت را وظیفه‌ی آنان برمی‌شمردند و همواره آنان را دوست و یاور یکدیگر در سختی‌ها می‌دانستند (نک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۹).

پیامبر^(ص) برای پرهیز از دورویی و نفرت‌ها و ایجاد حس دوستی و صمیمیت بیشتر مؤمنان،

از آنان خواست تا هرزمانی که به یکدیگر می‌رسیدند، با سلام و مصافحه، همدیگر را در آغوش بگیرند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۴-۲۳۲). این عملکرد ساده باعث می‌شد یک‌رنگی و دوستی بر نفرت‌ها و کینه‌های گذشته حاکم شود.

۴.۳. همزیستی مسالمت‌آمیز

پیامبر^(ص) پس از ورود به شهر مدینه، با ترکیب متنوع فرهنگی و اعتقادی مواجه گردیدند. قبایل متعدد یهودیان و طرفداران مذاهب مختلف دیگر، همچون مشرکان و بت‌پرستان و اقلیت مسلمانان مدینه و همچنین مهاجران مکه از جمله گروه‌هایی بودند که جمعیت مدینه را تشکیل داده بودند. این اختلاف عقاید در کنار اختلافات قومیتی، خطر بروز جنگ‌های قومی و مذهبی را تشدید می‌کرد؛ ازاین‌رو، با نوشتن و اعلام پیمان‌نامه‌ای جامع از سوی آن حضرت، بزرگ‌ترین قرارداد تاریخ اسلام شکل گرفت که در متن آن، حقوق قومیت‌ها و مذاهب مختلف ساکن یثرب به‌خوبی تبیین شده بود، به‌گونه‌ای که زندگی مسالمت‌آمیز و تحقق نظم و عدالت اجتماعی را تضمین می‌کرد. بر اساس پیمان‌نامه‌ی صلحی که بیشتر یهودیان، مسیحیان و مشرکان مدینه به انجام آن متعهد شدند، آنان می‌توانستند تا زمانی که پایبند به آن قرارداد باشند، در کنار مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و همچنین اهل کتاب می‌توانستند آزادانه مراسم مذهبی خود را انجام دهند (رحمتی، ۱۳۸۱، ص ۸۷).

۵.۳. عدالت و مساوات در تعاملات اجتماعی

در نظام و ساختار اجتماعی نبوی، هیچ‌کس به سبب رنگ، جنس، قبیله، ثروت و دیگر تفاوت‌های فردی و تمایزات اجتماعی بر دیگری برتری نداشت و برخوردها و رفتارها بر محور عدل و انصاف بود. آن حضرت مؤمنان و پیروان خویش را به رفتار بر محور عدالت تشویق می‌کرد و آنان را از بی‌عدالتی نسبت به همسایگان، همسر و فرزندان بر حذر می‌داشت و می‌فرمود: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أُنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰)؛ میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان‌طور که می‌خواهید با شما به عدالت رفتار کنند.» رعایت اصل مساوات و عدالت در ارتباطات اجتماعی پیامبر^(ص) به شیوه‌ای بود که نقش متغیرهایی همچون مذهب، جنس، سن، قدرت و ثروت به حداقل ممکن رسیده بود و در تعاملات و مراودات اجتماعی، هیچ‌یک از مخاطبان آن حضرت در مقابل ایشان احساس ضعف و فرودستی نمی‌کردند (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۷).

۶.۳. احترام به حقوق شهروندی

اصل قانون‌مندی و قانون‌گرایی موجب گسترش سایه‌ی امنیت و آرامش روانی اجتماعی می‌شود و ضامن استمرار حاکمیت خواهد بود و نباید با برتری‌های قومیتی و ملیتی، آرامش جامعه را فدای این برتری‌های نابجا کرد (رحمتی، ۱۳۸۱، ص ۸۶). بر اساس این، رسول اکرم^(ص) توانست حاکمیتی باشکوه و

محترم برپا دارد تا همه‌ی مردم از مدیریت و رهبری سالم ایشان بهره‌مند شوند، به‌گونه‌ای که همه‌ی افراد با هر مذهب و تفکری در این دستگاه حکومتی نسبت به انجام وظایف قانونی، اجرای عدالت و پاداش و مجازات، یکسان و برابر بودند.

آن حضرت با بیان قوانین الهی و تبیین حقوق افراد بر یکدیگر سعی داشتند تا رعایت حقوق اجتماعی را گسترش دهند و همه‌ی افراد را نسبت به اجرای این حقوق و قوانین اجتماعی تشویق کنند؛ برای مثال، برای حفظ حقوق شهروندی و روابط اجتماعی عادلانه، حقوق مؤمنان بر یکدیگر را بیان کرده‌اند؛ ازجمله اینکه مؤمنان باید در ناراحتی‌ها نسبت به برادر خود مهربان باشند و در برابر بدگویان از او دفاع کنند، همواره خیرخواه او باشند، لغزش‌هایش را اصلاح نمایند و عذرش را بپذیرند و او را در مشکلات یاری دهند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۳۷).

۷.۳. جذب و آموزش نیروهای متخصص

یکی از اصول مهم برای پیشبرد اهداف بلندمدت جامعه‌ی روبه‌پیشرفت برنامه‌ریزی برای شناسایی، جذب و آموزش نیروی انسانی ماهر است. در این باره حاکم آینده‌نگر باید توجه داشته باشد که به چه تعداد و چه نوع نیروی انسانی در واگذاری مسؤلیت‌ها نیاز است (ریاضی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۳). بنا به همین ضرورت، پیامبر اکرم^(ص) به دنبال جذب حداکثری و تربیت نیروهای مستعد بودند و از هر فرصتی برای دعوت افراد به مکتب حق بهره می‌بردند. ایشان با تأکید بر لزوم شروع انجام کارها بر اساس علم و عقلانیت، افراد را از انجام کاری که بر اساس تدبیر، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی استوار نباشد، بر حذر می‌داشتند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۲۲۳).

دستگاه آموزشی و تربیتی پیامبر^(ص) محدود به زمان و مکان مشخص و معینی نبود، بلکه در حین مسافرت‌ها یا جنگ‌ها، نکات تربیتی و آموزشی را یادآوری می‌کردند (کلانتری، ۱۳۸۵، ص ۶۵)؛ برای نمونه، به هنگام حفر خندق با آنان همراه بودند و به آنان سفارش می‌کردند که اگر انجام کار سخت و دشواری را بر عهده شخصی گذاشتید، با او در انجام آن کار همراه شوید تا بر نحوه‌ی عملکرد او نظارت داشته باشید (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۴۵۹).

پیامبر^(ص) علاوه بر جذب حداکثری و تربیت عمومی نیروها، اهتمام ویژه‌ای نسبت به تربیت خصوصی افراد برای انجام وظایف حساس داشته‌اند؛ ازجمله سلمان فارسی، مقداد، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ابوذر و بسیاری از صحابی خاص که برای اهداف عالی حکومت اسلامی تربیت شدند و در این میان، شخصیت والای امام علی^(ع) از بدو کودکی در مکتب نبوی رشد کردند و به‌عنوان جانشین به‌حق، به امت اسلامی معرفی گردیدند.

۸.۳. صداقت و یکرنگی

الگو و قاعده‌ی رفتاری پیامبر^(ص) در معاشرت با مردم، مبتنی بر اصل صداقت، یکرنگی و بی‌آلایشی بود. رفتار ایشان به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی، عاری از هرگونه خودنمایی، ظاهرسازی، غرور، خودخواهی، تکبر و فخرفروشی بود و دیگران را نیز از این رفتار منع می‌کرد تا امور بر محور صداقت

و درستی به پیش برود و رفتارهای نفاق گونه و تصنعی بی ارزش شوند و واقع گرایی، عقل و منطق بر رفتارهای اجتماعی حاکم گردد. آن حضرت همواره خود را بنده‌ای همچون دیگر بندگان الهی می‌دانست و می‌فرمود: «أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ أَكَلُ مِمَّا يَأْكُلُ الْعَبْدُ وَ أَقْعُدُ كَمَا يَقْعُدُ الْعَبْدُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۴۰)؛ من بنده‌ای از بندگان خداوند هستم، همان غذایی را می‌خورم که دیگر بندگان می‌خورند و همان جایی می‌نشینم که دیگران می‌نشینند. امام علی^(ع) در توصیف رفتار صادقانه و بی‌آلایش آن حضرت می‌فرماید: «او عادت داشت روی زمین بنشیند و غذا بخورد، مانند افراد عادی می‌نشست، کفشش و لباسش را با دست خودش ترمیم و وصله می‌کرد» (رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۸).

۹.۳. هم‌نشینی با مردم و حضور در متن جامعه

یکی از اصول مهم برآمده از سیره‌ی پیامبر^(ص) این بود که همراه و هم‌نشین مردم بود، همان‌گونه که خداوند در توصیف این اخلاق می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.»

آن حضرت در برابر مؤمنان، فروتن و متواضع بود و هرگز بر پیروان خود تکبری نداشت و در مسافرت‌ها از آنان کناره‌گیری نمی‌کرد. این رفتار تعاملی بر اساس دستوری از جانب پروردگارش بود که از او می‌خواهد تا بال مهربانی و عطف خود را به روی همه‌ی مؤمنین بگستراند: «...وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸). پیامبر اکرم^(ص) جلالت و هیبت خاصی داشت و برخلاف پادشاهان تلاش می‌کرد این هیبت را بشکند و مردم را به گفت‌وگوی متقابل و به دور از ترس دعوت کند. ابن مسعود می‌گوید: مردی قصد گفت‌وگو با پیامبر اسلام^(ص) را داشت؛ اما از شکوه و هیبت شخصیتی آن حضرت دچار رعب و هراس شد. پیامبر^(ص) به او فرمود: راحت باش، من پادشاه نیستم (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۳۷). او از یاران خویش می‌خواست رفتاری را که غیرعرب با پادشاهان خود دارند، نسبت به آن حضرت نداشته باشند و با او همچون فردی عادی رفتار کنند: «يَا سَلْمَانَ لَا تَصْنَعْ بِي مَا تَصْنَعُ الْأَعَاجِمُ مِلُّوكَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۴۰) و به همین سبب، ارتباطات میان فردی پیامبر^(ص) به گونه‌ای بود که هیچ فردی از بیان خواسته‌هایش نزد وی هراسی نداشت. امام صادق^(ع) نیز می‌فرماید: از نشانه‌های مهربانی و رأفت رسول خدا^(ص) این بود که برای آنکه اطرافیان از عظمت و هیبت ایشان نهراسند و بتوانند با نگاه به او نیازها و مشکلاتشان را بیان کنند، با آنان شوخی و مزاح می‌کرد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۰۷).

در سیره‌ی پیامبر اکرم^(ص)، دلجویی از دوستان و حتی دشمنان یک اصل پذیرفته شده بود. ایشان در صورت غیبت هریک از یارانش، سراغ او را می‌گرفتند و حتی به دیدار مردی یهودی رفتند که بر سر ایشان خاکستر ریخته بود. برای ادای احترام در برابر جنازه‌ی فرد یهودی مسلک می‌ایستاد و یا پس از پایان جنگ، دست اسیر کافری را می‌گیرد و به او کمک می‌کند و آنگاه که مادری نگران گریه‌ی فرزندش است، نماز را به سرعت می‌خواند و احترام به حق پدر، مادر، خویشان و همسایگان

را واجب می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۵، ص ۳۹-۴۵). این موارد نمونه‌هایی از رفتار انسان کاملی است که وقتی همچون تکه‌های پازلی کنار هم قرار گیرد، تصویری زیبا و شکوهمند از شیوه حکومت‌داری و در حقیقت، انسان‌پروری پیامبر اسلام^(ص) را به نمایش می‌گذارد.

۱۰.۳. تکریم و هویت‌بخشی

پیامبر گرامی اسلام^(ص) بیش از همه، به کرامت ذاتی انسان به‌عنوان یک اصل و آموزه‌ی وحیانی، باور داشتند (احمری، ۱۳۸۷، ص ۴۳). ایشان سعی کردند با بیان و ترویج تفکر و اندیشه‌های اسلامی، افراد را نسبت به جایگاه ارزشمند و کرامت ذاتی خود آگاه نمایند و در مسیر صحیح هدایت قرار دهند و همواره به دنبال گسترش صلح و آرامش و فضای بدون تنش در میان مردم بودند تا به کرامت اکتسابی شایسته‌ی وجود انسانی و هویت مطلوب خود دست یابند. ایشان با ترویج فرهنگ صداقت و راستی و با رفتاری توأم با مهرورزی و عیب‌پوشی و همچنین بهره‌گیری از افکار عمومی و مشورت، سعی در تقویت فکر و اندیشه و باورهای دینی مسلمانان داشتند و با کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ی این رفتار سازنده، انسان‌هایی باشخصیت و باکرامت تربیت شدند. این رفتار و عملکرد تربیتی پیامبر^(ص) برای تکریم و شخصیت‌بخشی به افراد را می‌توان در چهار عنوان خلاصه کرد که در ادامه به‌اجمال به بیان آن می‌پردازیم.

الف. عیب‌پوشی و فرصت دادن به خطاکاران

عیب‌پوشی و انتخاب روش‌های دوستانه برای متذکر شدن خطاها و اشتباهات افراد از روش‌هایی بود که پیامبر^(ص) برای حفظ شأن و حرمت افراد بر آن مواظبت و تأکید می‌کردند. ایشان مانع غیبت و بدگویی افراد می‌شدند و حتی از گفتن بدی‌های خودشان نیز ممانعت می‌نمودند و به یارانش می‌فرمودند: بدی‌ها و خطاهایتان را برای من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با قلبی آسوده و عاری از هر کدورتی نزد شما بیایم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۰).

پیامبر^(ص) بر اساس مضمون آیه‌ی «فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا» (طارق: ۱۷)، به کافران مهلت جبران خطا می‌داد و بر اساس آیه‌ی «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)، با خطاکاران مدارا می‌کرد و عذرشان را می‌پذیرفت و آنان را به نیکی‌ها دعوت می‌نمود. ایشان با یاران و حتی مخالفان خود، رفتاری مبتنی بر جذب و اصلاح داشت و با تقویت روح اعتماد و آرامش در میان آنان، صلح و دوستی را گسترش می‌داد و کینه، دشمنی و فتنه‌ها را دفع می‌کرد.

گشاده‌رویی و خوش‌رویی آن حضرت با مردم به‌گونه‌ای حمایت‌گرانه و ابهام‌زدا بود که مخاطب را به گفت‌وگو ترغیب می‌کرد، به‌نحوی که مخاطب ایشان هیچ احساس توبیخ، بازخواست و گناهی نمی‌کرد و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، به بیان خواسته‌های خود می‌پرداخت (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

ب. خوشبینی و مثبت‌اندیشی

پیامبر خدا^(ص) نگرشی خوشبینانه و مثبت به رفتار و گفتار دیگران داشتند تا جایی که منافقان او را مذمت می‌کردند و او را انسانی خوش‌باور و دهن‌بین می‌دانستند: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنُ» (توبه: ۶۱). آنان در حقیقت یکی از نقاط قوت پیامبر^(ص) را به‌عنوان نقطه‌ضعف نشان می‌دادند و از این واقعیت غافل بودند که یک رهبر محبوب باید نهایت لطف و محبت را نسبت به افراد نشان دهد و عذرهای آنان را بپذیرد و درباره‌ی عیوب آنان پرده‌داری نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۵).

آموزه‌هایی همچون امیدواری به خیر و رحمت، حسن ظن نسبت به رفتار دیگران، انتظار رحمت الهی و توکل بر خدا در مکتب پیامبر^(ص) حکایت از روحیه‌ی مثبت‌گرایی ایشان دارد و ایشان از همه‌ی عواملی که ممکن بود این روحیه‌ی مثبت‌گرایی را خدشه‌دار کند، پرهیز داشت و به همین سبب، از افکار منفی و ناامیدکننده بیزار بود و تفأل به خیر و خوبی را تحسین می‌کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۳۷۴). فهم این روحیه‌ی امیدواری و خوشبینی از سوی اطرافیان پیامبر اسلام^(ص) موجب شده بود که آنان بدون واهمه و با خاطری آسوده با وی معاشرت کنند و می‌دانستند خطاها و رفتارهای ناپسند گذشته‌ی آنان مانعی برای بخشندگی و خوشرفتاری پیامبر اسلام^(ص) ایجاد نخواهد کرد.

ج. مدارا و مهرورزی

تعاملات اجتماعی پیامبر^(ص) توأم با رفق و مدارا بود و افراد با عقاید مختلف تحت تأثیر رفتار صمیمی ایشان قرار می‌گرفتند، چنانکه خداوند همین برخورد صمیمی را از عوامل موفقیت ایشان می‌داند و می‌فرماید: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا عَلِيظًا لَأَنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ به برکت رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ پس آنان را ببخش و برایشان طلب آمرزش کن.» امام علی^(ع) نیز در تأیید این شیوه‌ی رفتاری می‌فرماید: آن حضرت به هرکسی - کوچک و بزرگ - سلام می‌کرد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۶) و هیچ‌گاه نشد که ایشان با کسی دست بدهد و زودتر از طرف مقابل، دست خود را از دست او بیرون بکشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۲).

د. تغییر نام افراد و مکان‌ها

یکی از شگردهای قابل‌تأمل پیامبر^(ص) برای شخصیت‌بخشی به افراد این بود که هرگاه به نام زشت و کریه اشخاص برخورد می‌کردند، شخصاً نام آن افراد را تغییر می‌دادند؛ برای نمونه، عبدالشمس را به عبدالله، عبدالشر را به عبدالخیر، قلیل را به کثیر، اسود را به ایض، عاصیه را به جمیله، زیدالخیل را به زیدالخیر و عاص را به عبیدالله تغییر دادند (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ج ۱۶، ص ۵۹۰ و ۵۹۶؛ ج ۱۱، ص ۵۷۹). همین مسئله‌ی ساده موجب شد تا این افراد از رفتار

ناشایست و ناهنجار گذشته‌ی خود دست بردارند و به‌مرور خود را با شخصیت و هویت جدید وفق دهند.

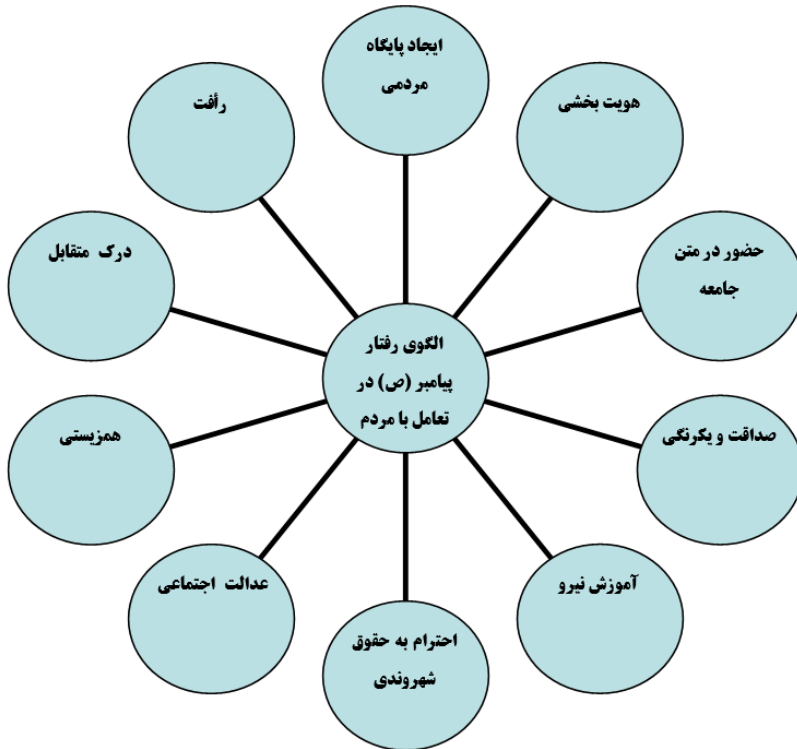
همچنین تغییر اسامی قبایل و مکان‌ها موجب فراموشی خاطرات دوران جهالت و بازسازی رفتار و ساختار متناسب با هویت اسلامی شد؛ چون فرهنگ و تفکر افراد به نام شهر و قبیله‌ی آنان گره‌خورده بود و برای جدا کردن آنان از تفکرات دوران جاهلی لازم بود تا نام و عنوان قبیله و شهرها تغییر یابد؛ به همین سبب، شهر «یثرب» به «طیبه» تغییر کرد و پیامبر^(ص) به‌شدت از تکرار نام یثرب جلوگیری می‌کردند (واعظ خرگوشی، ۱۳۶۱، ص ۴۲۵). ایشان، واژه‌ی «انصار» را جایگزین اوس و خزرج کردند تا خاطرات جنگ‌های طولانی فراموش شود و آوارگانی را که از مکه وارد مدینه می‌شدند، «مهاجر» نامید (مقدسی، ۱۳۷۴، ص ۶۱۷).

۴. نتیجه‌گیری

ترسیم انسان در قرآن کریم بسیار جامع و کامل است، به‌طوری‌که همه‌ی ساحت‌های وجودی انسان موردتوجه آموزه‌های وحیانی قرآن است. آفرینش انسان هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است. کرامت ذاتی و داشتن اراده و اختیار، داشتن آزادی و برخورداری از حقوق و تکالیف عادلانه از دیگر ویژگی‌های اوست. انسان‌ها، به‌عنوان موجودات اجتماعی، باوجود اشتراکات بسیار در نوع استعدادها و عواطف و علائق طبیعی، فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و اراده و اختیار، با ویژگی‌های متفاوت جسمی، فکری و رفتاری آفریده شده‌اند و در عین برخورداری از قابلیت‌ها و استعدادهای فراوان، انواع محدودیت‌ها و نقاط ضعف را دارند.

ایجاد روابط اجتماعی نبوی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و توصیف و ترسیم سیمای انسان در قرآن است که با نگاه جامع، همه‌ی نیازها و توانایی‌های انسان را موردتوجه قرار داده است؛ بنابراین، نگاه پیامبر^(ص) به انسان بر اساس همان آموزه‌های وحیانی بوده است و در مدیریت جامعه‌ی انسانی، اصول و قواعدی را که مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم است، در عرصه‌ی عمل پیاده کردند. در نگاه حاکمیتی پیامبر اکرم^(ص)، افزون بر بُعد دنیوی و ساحت جسمانی و نیازهای مادی و اقتصادی انسان، به بُعد معنوی و ساحت اعتقادی و عبادی و همچنین بعد روان‌شناختی و عاطفی انسان نیز توجه خاص شده است. در این نوع حکومت، حیات دنیوی انسان زمینه‌ی ساخت هویت انسانی بشر و مسیری برای تعالی معنوی وی است.

الگوی مفهومی این نوع از مدیریت به‌صورت نمودار شماره‌ی یک قابل‌نمایش است. مطابق این الگوی مفهومی، شیوه‌های تعاملی پیامبر^(ص) بر انسان‌شناسی قرآن و توصیف و ترسیم‌ی که قرآن از سیمای وجودی انسان ارائه داده، مبتنی است.



در تعاملات اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و سیره‌ی نبوی سعی می‌شود از هر فرصتی برای تعالی معنوی افراد جامعه استفاده گردد و هیچ‌گاه عزت انسانی و ارزش‌های اسلامی فدای سود و کار بیشتر نمی‌شود. حفظ و گسترش ارتباطات مردمی، احسان در روابط اجتماعی، حفظ وحدت، برابری در مقابل قانون و رعایت حقوق یکدیگر، جذب و آموزش نیروها و افزایش کارایی، صداقت و یکرنگی، هم‌نشینی با مردم و حضور در متن جامعه، تکریم و هویت‌بخشی از جمله شیوه‌های رفتاری پیامبر(ص) برای ایجاد ارتباطات سالم اجتماعی است. پیامبر اکرم(ص) از روش‌هایی همچون عیب‌پوشی و فرصت دادن به خطاکاران، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، مدارا و مهرورزی و تغییر نام برای تکریم جایگاه انسانی و همچنین هویت‌بخشی به افراد بهره‌گرفته‌اند. استخراج شیوه‌های رفتاری و اصول مدیریتی ائمه اطهار(ع)، به‌عنوان رهبران حقیقی و مدیران و هدایتگران راستین بشریت و عالم‌ترین افراد به حقایق انسان، جامعه و عالم ملک و ملکوت، با مقایسه‌ی شرایط متفاوت اجتماعی، سیاسی هر یک آن بزرگواران از پیشنهادهاى این تحقیق است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابطحی، سید حسین؛ مدیریت منابع انسانی؛ تهران:، نشر پیام نور، ۱۳۷۷ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید معتزلی؛ شرح نهج‌البلاغه؛ قم:، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- احمدی، حسین؛ «رابطه‌ی عقل و دین»؛ هیفته و تاریخ تمدن، شماره‌ی ۱۸، ۱۳۸۷.
- پاینده، ابوالقاسم؛ نهج‌الفصاحة؛ چاپ چهارم، تهران:، ۱۳۸۲ ش.
- جعفریان، رسول؛ پژوهشی در سیره نبوی؛ قم:، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- جوان‌آراسته، حسین؛ «کارکرد مسجد در حکومت نبوی»؛ حکومت اسلامی، شماره‌ی ۴۳، ۱۳۸۶ ش.
- حر عاملی، محمدبن‌حسن؛ وسائل‌الشیعه؛ قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
- حسینیان‌مقدم، حسین؛ مناسبات مهاجرین و انصار در عصر نبوی؛ تهران:، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- دولابی، پرستو؛ «جایگاه مسجد و کانون‌های فرهنگی در تمدن اسلامی»؛ معارف فقه علوی، شماره‌ی ۴، ۶۹-۸۴، ۱۳۹۶ ش.
- رحمتی، محمدکازم؛ «پژوهش‌های سیره در مطالعات اسلامی»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی ۶۱ و ۶۲، ۱۳۸۱ ش.
- رضی، محمدبن‌حسین؛ نهج‌البلاغه؛ به کوشش صبحی صالح؛ قم:، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- ریاضی‌نیا، قاسم؛ برنامه‌ریزی نیروی انسانی؛ تبریز:، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۱ ش.
- صباغیان، علی؛ پیروفر، سهیلا؛ گوهری، مصطفی؛ «نحوه‌ی تعامل رسول خدا^(ص) با منافقان مدینه»؛ تاریخ و فرهنگ، دوره‌ی ۴۹، شماره‌ی ۱، ص ۱۳۹۶-۱۰۳۱۳۹۶ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ سنن‌النبی؛ ترجمه‌ی حامد رحمت‌کاشانی؛ تهران:، پیام عدالت، ۱۳۸۵ ش.
- _____؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم:، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، حسن‌بن‌فضل؛ مکارم‌الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم:، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- علیان‌سب، سید حسین؛ «شیوه‌ی پیامبر اکرم^(ص) در مدیریت روانی جامعه‌ی اسلامی»؛ مطالعات اسلام و روانشناسی، سال نهم، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۹۴ ش.
- فیض‌کاشانی، ملامحسن؛ الوافی؛ مصحح ضیاء‌الدین حسینی اصفهانی؛ تهران:، کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ ق.
- کلانتری، الیاس؛ «تجلی رحمت پیامبر^(ص) در جنگ‌ها»؛ بینات، شماره‌ی ۵۲، ۱۳۸۵ ش.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران:، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- گراوند، مجتبی؛ «بررسی برخی رفتارهای حاکم بر جزیره‌العرب پیش از اسلام»؛ تاریخ نو، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰ ش.
- مبانی نظری تحول‌بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران:، دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش‌وپرورش، ۱۳۹۰ ش.
- متقی‌هندی، علاء‌الدین علی؛ کنز‌العمال فی سنن‌الأقوال و الأفعال؛ بی‌جا:، مؤسسه‌الرسالة، ۱۴۰۱ ق.

- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت؛ دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی، کریم‌خان؛ «تحلیلی بر سیره‌ی ارتباطات میان فردی پیامبر اکرم (ص)»؛ تاریخ اسلام، شماره‌ی ۳۷، ۱۳۸۸ ش.
- مطهری، مرتضی؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ تهران؛: صدرا، ۱۳۸۴.
- -----؛ سیری در سیره‌ی نبوی؛ تهران؛: صدرا، ۱۳۸۱.
- مقدسی، مطهر بن طاهر؛ آفرینش و تاریخ؛ ترجمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی؛ تهران؛: آگه، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران؛: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ ش.
- مهدوی فخر، زهرا؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ انصاری‌مقدم، مجتبی؛ «رفتارشناسی پیامبر اکرم (ص) در تعاملات اجتماعی با یهودیان مدینه»؛ پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، شماره‌ی ۲۵، ۱۴۰۰ ش.
- نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم؛: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
- واعظ خرگوشی، ابوسعید؛ شرف‌النبی؛ تحقیق محمد روشن؛ تهران؛: بابک، ۱۳۶۱ ش.
- هدایت‌پناه، محمدرضا؛ «جایگاه پیمان برادری در حکومت نبوی»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛ شماره‌ی ۶۱ و ۶۲، ۱۳۸۱ ش.
- یزدان‌پناه، صادق و احسانی، امیر؛ «بررسی تطبیقی راهبردهای تغییر در عصر پیامبر اسلام (ص) و دوران معاصر»؛ مدیریت اسلامی؛ سال ۲۷، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۸ ش.

